

تولید یک نشریه

دکتر سید محمد صدر

سال‌های آخر دهه چهل بود و من مشغول تحصیل در دبیرستان علوی. این مدرسه به همت افرادی تأسیس شده بود که درد دین داشتند و تعهدی بر علم. مدیران مدرسه جناب روزبه و جناب علامه بودند که اولی دبیر فیزیک و از اساتید بزرگ این رشته و دومی روحانی و معتقد به ساختن نیروی مسلمان. این دو با کمک بعضی از افراد متدین که اهل وجوهات هم بودند، مدارس علوی را تأسیس نمودند که در زمان خود کاری بس عالی و فرهنگی و در جهت منافع کشور بود. نتیجه این اقدام حضور تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان این مجموعه در مسؤولیت‌های رسمی بعد از انقلاب اسلامی در کشور است که هر کدام در گوشه‌ای مشغول و شاید باری بر دوش.



سال ششم در دبیرستان که آخرین سال حضور در این دوره بود، ویژگی خاصی داشت. کار شدید علمی و آماده شدن برای کنکور به همراه دریافت توصیه‌های اخلاقی، علمی و بعضاً سیاسی مدیران مجموعه از مهم‌ترین

ویژگی های این دوره بود که حقیقتاً تمامی وقت شبانه روزی دانش آموزان را می گرفت. این توصیه ها گاهی اوقات مفید و کارساز و البته، پاره ای از موارد مطابق با واقعیت جامعه و دانشگاه نبود، اما جناب روزبه که خود شخصیتی علمی و فرهنگی و در عین حال بسیار مذهبی بود مطالبی می گفت که نحوه کار در آینده را به خوبی روشن می کرد.

جناب روزبه که حقیقتاً از اولیاءالله بود به گونه ای لباس می پوشید که تازه واردها از او سوال می کردند مدیر مدرسه کجاست. بعضاً اتفاق می افتاد که او را با فراش مدرسه اشتباه می گرفتند و این حادثه برای او یک اتفاق عادی و تکراری شده بود. جناب روزبه از غذای خوب مدرسه که برای دانش آموزان آماده می گردید تناول نمی کرد و خود معمولاً غذای حاضری به همراه داشت که در زمان ناهار از آن استفاده می کرد. علت عدم استفاده از غذای مدرسه این بود که ایشان معتقد بود این غذا مختص دانش آموزان است و خوردن آن برای مدیر مدرسه ممکن است اشکال شرعی داشته باشد.

در هر صورت روح پاک و بی آلایش او باعث تقویت ایمان و گشایش راه دانش آموزانی می گردید که چندین سال از وجود پربرکت او استفاده می کردند. در آخرین جلسه ای که قبل از امتحان نهایی با جناب روزبه داشتیم ایشان مطالبی گفت که راهساز آینده این حقیر بود. در این جلسه ایشان دانش آموزان سال ششم رشته طبیعی (تجربی امروز) را مخاطب قرار داد و با چهره ای متفکرانه گفت که مدت ها برای این جلسه فکر کرده تا توصیه ای مبتنی بر یک فکر طولانی مدت ارائه دهد. ایشان سپس مطالب خود را به شرح زیر بیان نمود: بچه های عزیزم حال که در حال رفتن همیشگی از دبیرستان هستید برایتان آرزوی موفقیت می کنم و فقط یک توصیه برای شما دارم. توصیه ام این است که همگی سعی کنید اولین انتخابتان در کنکور رشته داروسازی باشد گرچه می دانم که اکثر شما علاقه به رشته پزشکی دارید.

ایشان سپس علت توصیه خود را این گونه بیان نمود:

در حال حاضر ما پزشک مسلمان در کشور در حد قابل قبول داریم اما متأسفانه، داروسازی کشور در دست یهودیان است و شما وظیفه دارید که با انتخاب این رشته دارو و داروسازی را در این کشور مسلمان از دست آنان خارج کنید و سرنوشت دارویی ایران را بر عهده گیرید.

توصیه آن بزرگ و آن پیر دیر و آن انسان والایی که به حق در تاریخ ما کم نمونه است مهم ترین عامل در انتخاب رشته داروسازی توسط این حقیر بود که

در سن هیجده سالگی و با خلوص کامل انجام شد. این عامل این نتیجه را به همراه داشت که بنده به رشته خود نه تنها به عنوان یک علم بلکه به عنوان یک پدیده مقدس و قابل احترام نگاه کنم. نگاهی که بعد از سی و شش سال و متعاقب حوادث بسیار عظیمی که در زندگی من و کشور ایران به وقوع پیوست، هم چنان ادامه دارد.

پس از ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ و آشنایی بیشتر با مسایل سیاسی و اجتماعی دریافته‌های جدیدی برایم حاصل شد که توصیه‌های جناب روزبه را تکمیل می‌کرد. این دریافته‌ها نشان می‌داد که نه تنها داروسازی کشور بلکه کل حکومت و سیاست ایران در دست صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها است.

مروری جدید بر توصیه‌های استاد روزبه مشخص می‌ساخت که او هم چنین منظوری از طرح چنان موضوعی داشته است منتها به هر دلیلی در آن مقطع صلاح ندیده که به‌طور شفاف و روشن نظر خود را بیان دارد و بگوید سرنوشت کشور در دست بیگانگان است.

با دریافت برداشت جدید از اوضاع کشور و حکومت رویکرد جدیدی در زندگی ام ایجاد شد که تاکنون نیز ادامه داشته است. این رویکرد همان رویکرد سیاسی است که از سال اول دانشکده آغاز شد و اعتصاب‌ها و مخالفت‌ها را سازمان داد و در پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی نقش ایفا کرد و در مقاطع مختلف و با توجه به شرایط اجتماعی نمود داشت. نکته بسیار مهم در زندگی نسبتاً طولانی ام و طی فراز و نشیب‌های گوناگون، احساس وابستگی نسبت به رشته تحصیلی و مدیون بودن به حرفه داروسازی بود. این احساس هیچگاه مرا رها نکرد و حتی در اوج گرفتاری‌های سیاسی و انقلابی همراهیم می‌کرد. به همین دلیل همیشه به دنبال فرصتی بودم تا برای رشته خود - داروسازی - کاری انجام دهم و دین خود را به این رشته مقدس و همکاران عزیز ادا نمایم.

خوشبختانه این فرصت در سال ۱۳۶۸ و پس از یک دوره مسؤولیت بسیار سنگین فراهم گردید و توانستم با فاصله گرفتن موقت از مسؤولیت‌های دولتی به اصل خود رجوع کرده و به رشته مقدس داروسازی بپردازم.

پس از مدتی بررسی و مشورت و گفتگو با دوستان و همکاران به این نتیجه رسیدیم که داروسازان کشور تریبونی برای طرح نظرات و مشکلات خود ندارند و ارگانی نیست که ضمن تغذیه علمی آن‌ها مسایلشان را مطرح نماید و

مسئولان کشور را جهت حل مشکلاتشان آگاه نماید. این موضوع به ویژه با یادآوری مشکلات دوران دانشجویی که مدیریت دانشگاه در پی حذف دکترای داروسازی و قرار دادن مدرک لیسانس به جای آن بود بروز بیشتری یافت و تصمیم به انتشار نشریه‌ای برای همکاران داروساز و با هدف پیگیری و تامین خواسته‌های فوق در دستور کار قرار گرفت.

در ابتدا و در شروع کار برای اجرایی شدن هدف فوق‌تردیدهای فراوانی وجود داشت. تعدادی از دوستان مشفق‌نگران بودند که گام برداشتن در این راه مداوم نباشد و به هر دلیلی پس از انتشار دو یا سه شماره انتشار نشریه قطع گردد. این نگرانی به ویژه با توجه به تجربه‌های گذشته و جوانمرگ شدن نشریات گروه پزشکی دوچندان می‌گردید، اما با توکل به خدای متعال و مشورت نهایی با دوستان همراه که بعدها همگی عضو خانواده خالص نشریه رازی شدند تصمیم به انتشار نشریه گرفته شد و کارهای اجرایی آغاز گردید.

در ابتدای کار و برای تامین منابع مالی به سراغ جناب آقای دکتر مسعود باقری یار دیرین دوران دانشجویی و مدیرعامل شرکت پخش رازی رفته و موضوع را با او در میان گذاشتم. دکتر باقری که خود شخصیتی فرهنگی و مطالعات فراوان او در زمان دانشجویی زبان زد همه دوستان در آن دوران سخت و سیاه بود، با استقبال تمام پیشنهادم را پذیرفت و قول حمایت مالی کامل داد.

پس از اطمینان از تامین مالی، تعیین سردبیر با تجربه و قلمزن که تمام مسایل تحریریه را پی بگیرد ضروری می‌نمود. به همین دلیل به سراغ بهترین دوست دوران زندگیم و همکار بسیار با تجربه در زمینه‌های مختلف یعنی دکتر فریدون سیامک‌نژاد رفتم. فردی که از زمان دانشجویی نقش ویژه‌ای در انتشار نشریات دانشجویی داشت و بعد از انقلاب نیز سردبیری نشریات دیگر دارویی را برای مدتی بر عهده گرفته بود.

دکتر سیامک‌نژاد در پاسخ پیشنهادم گفت گرچه به دلیل مسایل خاصی، علاقه چندانی به این کار ندارم اما به خاطر تو حتماً این مسئولیت را قبول می‌کنم.

پس از انجام این دو کار مهم دریافت مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دستور کار قرار گرفت. در آن زمان جناب آقای خاتمی وزیر ارشاد و جناب آقای امین‌زاده معاون مطبوعاتی این وزارتخانه بودند و خوشبختانه هر دو بزرگوار لطف فراوانی نسبت به این حقیر داشتند. به همین دلیل به محض ارایه

درخواست جهت صدور مجوز برای انتشار نشریه در مدت کوتاهی پاسخ مثبت داده شد و نشریه رازی با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی اینجانب تحقق قانونی یافت.

اکنون زمان انتخاب هیات تحریریه فرا رسیده بود تا همه کارها برای انتشار نشریه فراهم شود. اولین فردی که برای شورای علمی نشریه در نظر گرفته شد استاد بزرگوار دکتر عباس پوستی بود. این استاد با سابقه که سابقه شاگردیش را شخصاً در درس فارماکولوژی و در دوران دانشجویی تجربه کرده بودم همکار بنده در دفتر علمی شرکت پخش رازی بود. ایشان در گذشته و به همراه جناب آقای دکتر عبدالکریمی مسئول وقت دفتر علمی شرکت دارویی پخش رازی دارونامه رازی را منتشر می‌کردند. حضور استاد ارجمند دکتر عباس پوستی در این مجموعه و به ویژه سابقه علمی و نوشتاری ایشان فرصت مغتنمی بود که بار علمی نشریه را تضمین می‌کرد.

دکتر فرشاد روشن ضمیر استاد ارجمند فارماکولوژی و نویسنده صاحب سبک در مسایل فرهنگی و اجتماعی دومین فردی بود که به عضویت هیات علمی تحریریه رازی درآمد. دکتر روشن ضمیر که از نخبان و سرمایه‌های داروسازی کشور است قلمی زیبا و نثری منحصر به فرد و طنزی لطیف دارد که با نویسندگان صاحب نام کشور هم چون جلال آل احمد قابل مقایسه است. این عزیز با این ویژگی‌ها، خلقی خوش و منشی فروتنانه دارد و به همین دلیل با سرعت تمام به پیشنهاد این حقیر پاسخ مثبت داد.

دکتر مرتضی ثمینی استاد بزرگ فارماکولوژی عضو جدیدی بود که وزنه علمی نشریه را افزایش داد. ایشان که از معدود افراد نویسنده کتاب فارماکولوژی به زبان فارسی است و از پرکارترین اساتید در این زمینه می‌باشد با حضور خود در هیات علمی مجله، غنای علمی آن را تکمیل نمود.

در ادامه کار و برای تکمیل کادر علمی نشریه با جناب آقای دکتر حسن احمدیانی که در آن زمان رئیس بخش فارماکولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود، تماس گرفته و از ایشان خواسته شد افرادی را به منظور فوق معرفی نماید. ایشان ضمن اظهار لطف فراوان و ابراز خوشحالی از چنین اقدامی آقایان دکتر علی حائری و دکتر محمدحسین پورغلامی را معرفی نمود. با حضور این دو استاد بزرگوار در شورای علمی نشریه کادر علمی تکمیل گردید و غنای لازم برای تهیه و داوری مقالات علمی حاصل شد. از آنجا که از ابتدا، تصمیم بر این بود که نشریه رازی که نامش را از دانشمند

بزرگ ایران زمین و طبیب، داروساز، شیمیدان، فیلسوف و حکیم فرهیخته این مملکت یعنی ابوبکر محمدبن زکریای رازی اقتباس می‌کند، نشریه‌ای علمی و اجتماعی باشد با مشورت با جناب آقای دکتر فریدون سیامک نژاد مقرر گردید تا جهت تکمیل کادر اجتماعی مجله از وجود عزیزانی چون دکتر علی منتصری که سابقه‌ای بس طولانی در مدیریت داروسازی کشور دارد و خود از پایه‌گذاران کار فرهنگی در رشته داروسازی است و مدت‌ها نشریه دارو و درمان را منتشر کرده بود، استفاده شود. در همین چارچوب و برای خالی نبودن جای بانوان کشور در هیات تحریریه رازی از همکار ارجمند سرکار خانم دکتر ثریا منتظری که از فعال‌ترین همکاران در زمینه‌های مختلف داروسازی کشور و از مدیران با سابقه می‌باشد دعوت به عمل آمد که خوشبختانه با لطف ایشان این دعوت پذیرفته شد.

حضور دانشجویان رشته داروسازی در نشریه موضوع دیگری بود که از ابتدا مورد اهتمام همگی همکارانم قرار داشت به همین دلیل پس از مدتی که از شروع کار نشریه گذشت از برادران عزیز دکتر مجتبی سرکندی، دکتر وحید محلاتی و دکتر سروش سرداری تقاضا گردید که با کادر نشریه همکاری کنند و ارگان حرفه‌ای خود را یاری بخشند. همکاری این عزیزان و به‌ویژه دکتر سرکندی و دکتر محلاتی با نشریه از زمان دانشجویی تاکنون یکی از عوامل اصلی موفقیت نشریه طی سال‌های گذشته بوده است. هر دو این همکاران که جوانی خود را در مجله رازی پشت سر گذاشته‌اند با خلوص تمام به فعالیت پرداختند و بار اصلی نشریه را و انجام کارهای سخت و خارج از اداره را با علاقه و حسن نیت تمام بر عهده گرفتند. در حال حاضر، دکتر وحید محلاتی در سمت مدیرعاملی شرکت دارویی پخش رازی و دکتر مجتبی سرکندی در سمت مدیر داخلی نشریه رازی به خدمات صادقانه خود ادامه می‌دهند و زحمات هفده ساله خود را پی می‌گیرند.

نشریه رازی با آن کادر علمی و با این کادر اجتماعی و با هدف خدمت به داروسازی و داروسازان کشور کار خود را آغاز کرد و به اینجا رسید که همه عزیزان خواننده در جریان آن هستند. میزان موفقیت این نشریه موضوعی است که باید توسط همکاران داروساز مورد ارزیابی قرار گیرد. اما همگی ما در هیات تحریریه رازی از این که توانسته‌ایم برای مدت طولانی در خدمت شما باشیم بسیار خوشحالیم و آرزو می‌کنیم که این حضور هم‌چنان ادامه داشته باشد و اهداف از پیش تعیین شده مجله پیگیری شود. طبیعی است که جهت

دستیابی به این هدف عالی نیازمند ارتباط و همکاری بیشتر همه دست اندرکاران امر داروسازی با نشریه می‌باشیم.

مجله رازی در طی هفده سال گذشته با فراز و فرودهای فراوان مواجه بوده که به لطف خداوند متعال و همکاری خانواده رازی فرودها را پشت سر گذاشته و فرازها را دنبال نموده است. در این زمینه ضروری است به عدم ادامه همکاری دوستان بسیار عزیز دکتر علی حائری، دکتر محمدحسین پورغلامی و دکتر سروش سرداری که هر کدام به دلایل خاص خود و بدون ارتباط با موضوع نشریه بود اشاره کنم و آرزو نمایم که در زمان مناسب این عزیزان به نشریه بازگردند و جای خالی خود را در هیأت تحریریه نشریه پر نمایند.

گرچه ریزش فوق‌اندوهی فراوان را بر دل می‌نشانند اما بارش وجود عزیزانی چون استاد دکتر خیراله غلامی متخصص رشته داروسازی بالینی و پایه‌گذار این رشته در دانشکده داروسازی و دکتر بهنام اسماعیلی از مدیران لایق و نویسندگان زبردست بخش اجتماعی تسلی‌بخش خاطر همه همکاران بود.

نشریه رازی با تجربه هفده ساله و توشه‌ای نسبتاً قابل قبول و با لطف خداوند متعال به کار خود ادامه خواهد داد. ارتقا و تکمیل سطح علمی و اجتماعی نشریه و رفع نواقص آن منوط به ابراز نظر بیشتر همکارانی است که در این هفده سال ما را یاری کرده‌اند و در آینده انشاء... تنهائمان نخواهند گذاشت.